

The Effect of Human Rights on the Fight Against Corruption

(Type of Paper: Research Article)

Hosein Navadeh Toupchi¹, Iman Mirzazadeh^{2*}

Abstract

Today, corruption is considered as one of the main challenges to realization, development, and protection of human rights and fundamental freedoms. Corruption not only leads to discrimination and lack of equality, it also seriously threatens the rule of law as the backbone of democracy. Corruption intensifies the distance between the state and the people. It also intensifies citizens' dissatisfaction. The states' commitment to observe fundamental rights and freedoms provides the conditions for citizens oversight of the states' activities. Moreover, enhancing the rule of law and placing the state in its rightful position as the supervising institution will increase the state's authority and strengthen national sovereignty. In the process of combating corruption, factors such as public participation, a strong civil society and raising public awareness, are crucial. The states' lack of commitment to fundamental rights and freedoms undermines public trust, and makes it impossible for citizens to control the state. In this study, conducted by descriptive-analytical method, we intend to prove the hypothesis that observance of human rights and respect for the notion of fundamental freedoms of citizens by the government, is the most effective tool for fighting corruption.

Keywords

rule of law, human rights, rights and fundamental freedoms, corruption, fight against corruption.

1. Associate Prof. at the National Defense University, Tehran, Iran. Email: htoupchi@gmail.com
2. PhD Student in International Law, University of Tehran, Tehran, Iran, MA in (Investment Treaty Arbitration), Uppsala University (Corresponding Author). Email: imanmirzazadeh@ut.ac.ir
Received: September 2, 2019 - Accepted: February 17, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تأثیر حقوق بشر در مبارزه با فساد

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

حسین نواده توپچی^۱، ایمان میرزازاده^{۲*}

چکیده

امروزه فساد از بزرگ‌ترین چالش‌ها در برابر تحقق، پیشرفت و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به حساب می‌آید، تا آنجا که نه تنها موجب تبعیض ناروا و نقض حق برابری می‌شود، بلکه اصولی همچون حاکمیت قانون را به عنوان بنیان دموکراسی، به شدت تهدید می‌کند. ادامه چنین وضعیتی، موجب تشدید فاصله میان دولت و ملت می‌شود و تعمیق نارضایتی شهروندان را فراهم می‌سازد. التزام دولت به رعایت حقوق بنیادین شهروندان، شرایط نظارت بیشتر شهروندان را بر دولت فراهم می‌کند. از طرفی تقویت حاکمیت قانون و قرار گرفتن دولت در جایگاه واقعی خود به عنوان نهاد ناظر، موجب افزایش نفوذ و اقتدار دولت و تقویت حاکمیت ملی می‌شود. در فرایند مبارزه با فساد، عواملی مانند مشارکت عمومی، جامعه مدنی قوی و افزایش سطح آگاهی عمومی، از اهمیت بسزایی برخوردارند. فقدان تقید دولت به تضمین آزادی‌های بنیادین شهروندان، علاوه بر گسست میان دولت و ملت، اعتماد عمومی را تضعیف و نظارت شهروندان بر دولت را غیرممکن می‌سازد. در این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، در پی اثبات این فرضیه هستیم که رعایت حقوق بشر و احترام به آزادی‌های بنیادین شهروندان توسط دولت، مؤثرترین ابزار در مبارزه با فساد است.

کلیدواژگان

حاکمیت قانون، حقوق بشر، حقوق و آزادی‌های بنیادین، فساد، مبارزه با فساد.

Email: htoupchi@gmail.com

۱. دانشیار، گروه حقوق دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد داوری معاهدات

Email: imanmirzazadeh@ut.ac.ir

سرمايه‌گذاري از دانشگاه اويسالا (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

مقدمه

مبارزه با فساد، از جوانب مختلف مورد تدقیق حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. تأثیر فساد بر حقوق بشر همواره مدنظر پژوهشگران قرار گرفته و مقالات و پژوهش‌های متعددی نیز در این زمینه صورت گرفته است. اما بررسی لزوم رعایت حقوق بشر و تضمین آزادی‌های بنیادین در مبارزه مؤثر با فساد، در شرایط کنونی بیش از پیش احساس می‌شود. رابطه حقوق بشر و فساد، رابطه‌ای دوطرفه است. درست است که فساد زمینه‌های نقض حقوق بنیادین شهروندان را فراهم می‌سازد، اما باید توجه داشت که رعایت هرچه بیشتر حقوق و آزادی‌های بنیادین از سوی دولت‌ها و باورمند بودن زمامداران به این حقوق، ضمن تقویت حکمرانی شایسته، زمینه‌های بروز و ظهور فساد را تضعیف خواهد کرد. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی تأثیر فساد بر بخشی از حقوق و آزادی‌های بنیادین، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا التزام بیشتر دولت‌ها بر آزادی‌ها و اصول بنیادین حقوق بشر، در از میان برداشتن زمینه‌های فساد و استحکام بیشتر مفهوم شهروندی مؤثر است یا خیر؟ ضرورت بررسی این رابطه از آنجا اهمیت یافته است که فساد بر رشد اقتصادی و روند توسعه در جوامع به شدت تأثیرگذار است و اثر فوری فساد آن است که به بی‌اعتمادی شهروندان و جامعه و ایجاد شکاف میان آنها با حکومت منجر می‌شود و فساد تعمیق یافته، سرآغازی بر بحران مشروعیت دولت تلقی می‌شود. از نقاط پیوند حقوق بین‌الملل و مبارزه با فساد، میزان پایبندی دولت‌ها به موازین حقوق بشری است. تأثیر پدیده فساد بر رشد اقتصادی، تابعی از شکل و بافت سیاسی حکومت است. در جوامعی که آزادی‌های مدنی و سیاسی به شکل مطلوب و مطابق استانداردهای بین‌المللی رعایت می‌شوند، فساد تأثیر شدیدی بر رشد اقتصادی نخواهد داشت، از طرفی پدیده فساد در چنین جوامعی، امکان گسترش و فراگیر شدن را به دلیل رسانه‌های آزاد، جریان آزاد اطلاعات، دسترسی شهروندان به اطلاعات، شفافیت و آزادی اجتماع، نخواهد داشت. از طرف دیگر، چنانچه بافت سیاسی جامعه، اعتقادی به فضای باز و رعایت حقوق بنیادین شهروندان نداشته باشد، نه تنها فساد به راحتی مهارشده نخواهد بود، بلکه فضا، مهیای ایجاد قطب‌ها و مراکز فاسد اقتصادی خواهد شد که فقط در پی تأمین منافع شخصی، حزبی و جناحی خود از طریق حفظ و تداوم قدرت سیاسی است (شریفی طرازکوهی و مدرس سبزواری، ۱۳۹۳: ۹۹). در این تحقیق ابتدا به تعریف فساد و دلایل شیوع آن در جامعه پرداخته شده و آثار منفی آن شرح داده شده است، سپس رابطه دوسویه فساد و حقوق بشر در جهت اثبات فرضیه، تحلیل و توضیح داده شده است.

تعریف فساد

فساد از منظر بانک جهانی سوءاستفاده از منابع عمومی برای تحصیل منافع شخصی است، این

مرجع فساد را بزرگ‌ترین مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی معرفی کرده است^۱، چراکه فساد با تحریف مقررات قانونی، توسعه را تخریب و بنیان‌های نهادینه‌ای را که رشد اقتصادی به آن وابسته می‌شود، تضعیف می‌کند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۳۰). البته ویتو تانزی^۲، مدیر بخش بین‌المللی مالی، بانک جهانی را در سال ۱۹۹۸ نقد و اعلام کرد که هرچند این تعریف از فساد، تعریفی عامه‌پسند است، اما اولاً شامل فساد در بخش خصوصی نبوده است و ثانیاً منافع شخصی غیرمستقیم را نیز شامل نمی‌شود، زیرا امکان دارد این منافع نامشروع در جهت تأمین منافع گروهی که فرد به آن وابستگی و علقه دارد، هزینه شود (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۳۸). رایج‌ترین تعریف ارایه شده از فساد، توسط سازمان غیردولتی شفافیت بین‌المللی ارایه شده است که مطابق آن فساد، سوءاستفاده از اختیار سپرده‌شده برای کسب منفعت شخصی است. بدیهی است که همیشه سوءاستفاده از منابع و امکانات دولتی، صرفاً برای منافع شخصی نیست، بلکه می‌تواند در راستای تأمین منافع یک حزب و تفکر سیاسی، طبقه خاص، دوستان یا آشنایان باشد. فساد ممکن است سوءاستفاده یکجانبه در ادارات دولتی از جمله اختلاس، پارتی‌بازی یا سوءاستفاده در روابط میان کارگزاران بخش‌های خصوصی و دولتی مانند رشوه، اخاذی، کلاهبرداری و تقلب، اعمال نفوذ به‌طور خاص در مناقصه‌ها باشد. وجه غالب تعاریف ارائه‌شده درباره فساد کارگزاران دولتی را می‌توان رشاء و ارتشا و سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی برای نفع شخصی دانست. از این توضیحات نباید چنین برداشت کرد که فساد به بخش دولتی منحصر است، بلکه در فعالیت‌های بخش خصوصی نیز فساد وجود دارد. همین اختلاف‌نظرها در تعریف از فساد موجب شده است تا کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد، تعریف مشخصی از فساد ارائه ندهد.

عوامل مؤثر در اشاعه فساد

فساد، چنان آثار مخربی دارد که برخی همچون کمیسیون ملی حقوق بشر کنیا، آن را جرم و جنایتی علیه بشریت^۳ اعلام داشته است، زیرا آثار مخرب آن توان دولت در ایفای تعهدات حقوق بشری‌اش را تضعیف می‌کند و به مانند تیغ‌های دولبه، هم موجب تضعیف اعتماد عمومی می‌شود و از طرف دیگر مشروعیت دولت را هدف قرار می‌دهد (ایگندیون^۴، ۲۰۱۸: ۴۸۵-۴۸۳). مطالعه‌های تجربی مربوط به علل فساد تأیید می‌کنند که فساد نشانه بیماری از نوعی ضعف نهادی عمیق در ساختار نظام حکمروایی است. در واقع فساد را باید نوعی عارضه از ضعف بنیادین دولت به‌شمار

1. <http://siteresources.worldbank.org/EXTABOUTUS/Resources/Corruption.pdf>

2. Vito Tanzi

4. Crime Against Humanity

5. Igbnedion

آورد، نه عامل پایه‌ای یا تنها عامل تعیین‌کننده بیماری‌های جامعه. وینود^۱ سه شرط لازم ایجاد فساد و تداوم آن را محافظه‌کاری مجریان دولت، رانت‌های اقتصادی و نهادهای نظارتی ضعیف معرفی می‌کند (وینود، ۲۰۰۰: ۴۳). ریشه‌های مفاسد مالی و اقتصادی که اغلب در همه‌جا یکسان است، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت‌های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منافع بین گروه‌های مختلف است. با این توضیح می‌توان عوامل اشاعه فساد را در موارد ذیل خلاصه کرد:

دولت و کارگزاران فاسد

اساساً فساد در دو سطح صورت می‌پذیرد، فساد در سطح اول (فساد یقه‌سفیدها)، مفاسدی است که اغلب نخبگان سیاسی، کارمندان عالی‌رتبه و مقامات ارشد دولتی را در برمی‌گیرد؛ سطح دوم دربرگیرنده کارمندان رده‌پایین (فساد یقه‌آبی‌ها) است (ریبسی، ۱۳۸۳: ۳۱). البته فساد، به ابعاد دیگری مانند فساد اقتصادی، سیاسی و قانونی نیز قابل تقسیم است (خداداد حسنی و فرهادی‌نژاد، ۱۷: ۱۳۸۰). فساد بزرگ که به‌عنوان فساد سیاسی شناخته می‌شود، نوعی از فساد است که در سطوح بالای قدرتمندان سیاسی مشاهده می‌شود. این نوع فساد شامل فساد در بخش تصمیم‌گیر جامعه است که از جمله می‌توان به مواردی که سیاستمداران از موقعیت خود برای دستیابی به سود شخصی استفاده می‌کنند، اشاره کرد؛ مثل دریافتی از قراردادهایی که دولت‌ها و مجریان و مقامات دولتی حق دخالت در آنها را ندارند یا اختلاس مبالغ هنگفتی از منابع عمومی. فساد جزئی که به‌عنوان فساد اداری شناخته می‌شود، فساد در سطح اداره‌های دولتی است. این نوع فساد در سطح پایین‌تر جامعه است و یک شهروند در زندگی روزانه‌اش تجربه می‌کند. برای نمونه، زمانی که شهروندان در مواجهه با مأموران سد معبر شهرداری، رشوه پرداخت می‌کنند یا برای اخذ رونوشت از اوراق پرونده‌ای در دادگستری، گریزی جز پرداخت وجه به مأموران دفتری آن ندارند. بدون کنترل و مبارزه مؤثر با فساد کلان، نمی‌توان ادعای مبارزه با فساد میان کارمندان میانی و حتی رده‌پایین نظام سیاسی و اداری را مطرح کرد، زیرا میزان فساد در رده‌های بالا و کلان‌مدیریتی کشور، ارتباط وثیقی با حجم و گستردگی فساد در رده‌های پایین‌تر دارد، زمانی که هیأت حاکمه درگیر فساد باشد، نیازمند همراهی نیروهای میانی خود است و برای مخفی نگاه‌داشتن آن، نیازمند آن است تا نیروها و نهادهای نظارتی و سازمان‌های حسابرسی و حتی دستگاه قضایی را همراه خود سازد و با انواع و اقسام ترفندها، آنها را تضعیف کند (حسنی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۶). در چنین محیط فاسدی، کارمندان میانی با خیالی آسوده‌تر مرتکب اعمال فسادآمیز همچون ارتشا، کلاه‌برداری، جعل و غیره می‌شوند و نگرانی از برخوردهای قهری ندارند (حسنی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۷).

1. Vinod

۱. فقدان حکمرانی مطلوب

ابزارهای مؤثر مبارزه با فساد در حکمرانی مطلوب مانند شفافیت، دسترسی به اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات، حاکمیت قانون، جز در اعتقاد به میانی و ارزش‌های بنیادین حقوق بشر، به‌کار نخواهند آمد. حکومتی که مبتنی بر ارزش‌هایی همچون شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون بنا شده باشد، قادر خواهد بود تا در برابر فساد بایستد (نژندی منش، ۱۳۹۳: ۸۲). کشورهای عضو شورای اروپا در کنوانسیون حقوق کیفری در خصوص فساد^۱، اعلام داشتند که فساد، حاکمیت قانون، مردم‌سالاری و حقوق بشر را تهدید و حکمرانی مطلوب و عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند. فساد زاینده انحصار قدرت، عدم شفافیت و فقدان مسئولیت و پاسخگویی است، برای کاهش فساد، باید انحصار در نظام تولید، خدمات و توزیع شکسته شده و امکان رقابت بین عاملان آنها بیش از پیش فراهم شود، قدرت تصمیم‌گیرندگان از طریق نظارت مؤثر، کنترل و حتی محدودسازی، مقید شود و نظام و نهادهای حساسی بهبود یابد (یوسف خلیفا^۲، ۲۰۰۳: ۳۳). کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای حوزه آسیا و اقیانوسیه^۳، حکمرانی را معادل با فرایند تصمیم‌سازی و فرایند اجرا یا عدم اجرای تصمیمات می‌داند. در گزارش‌های برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی به معنای اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در تمام سطوح پذیرفته شده است. فساد از طریق سیاست‌های ناسالم اقتصادی یا نهادی به دلیل حضور گروه‌های ذی‌نفوذ قدرتمند، تخصیص ناموزون هزینه‌ها، تصرف قانون و اختلال در سیاست‌گذاری توسط نخبگان ذی‌نفوذ، فقدان حاکمیت قانون و حقوق مالکیت، مانع سرمایه‌گذاری می‌شود. در گزارش‌های برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی خوب معادل اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری جهت مدیریت امور عمومی کشور در تمام سطوح، تلقی شده است (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۹۹). حکمرانی، گستره وسیعی از بازیگران گوناگون را شامل می‌شود، این بازیگران در چارچوب نهادهای سیاسی و مدنی، فرایند تصمیم‌سازی و اجرای آنها معین می‌شوند. بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای پانزده کشور با درآمد متوسط، حکایت از آن دارد که این کشورها، با تفکیک شاخص‌های حکمرانی خوب به اجزای آن شامل حق اظهارنظر و عقیده، پاسخگویی، ثبات سیاسی، شفاف‌سازی قوانین و مقررات، حاکمیت مؤثر قانون، فساد را مهم‌ترین عامل بازدارنده ورود و تمایل سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای میزبان می‌دانند (مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸: ۲۳).

1. Criminal law Convention on Corruption

2. Yousif Khalifa Al- Yousif

3. United Nations Economic and Social Commission for Asia and Pacific (UNESCAP)

۲. اقتصاد دولتی و ناکارآمد

تمرکزگرایی دولت، از علل نابودی رقابت در فضای اقتصادی و رشد رانت و لابی‌گری در حوزه اقتصاد است که به رشد بی‌عدالتی و چپاول ثروت و بیت‌المال توسط ویژه‌خواران و متنفذان دولتی منجر می‌شود؛ ریشه تمرکزگرایی دولت‌ها در اقتصاد به جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد؛ همه دولت‌های غربی تمام توجه و توان خود را به شکست آلمان و غلبه بر هیتلر به کار بسته بودند و با متمرکز ساختن همه امور اقتصادی در دست دولت، تلاش داشتند تا حداکثر منابع را برای جنگ و موفقیت در آن بسیج و مدیریت کنند؛ حق اعتصاب برای کارگران از سوی دولت‌ها ممنوع بود؛ کارگران حق دست کشیدن از کار را نداشتند و دستمزدها و حقوق کارگران تماماً در کنترل دولت‌ها بود، اما این وضعیت و تسلط دولت بر اقتصاد در پایان جنگ متوقف نشد؛ دولتمردان که مسرور از موفقیت و شکست هیتلر بودند، با رضایت از شرایط اقتصادی موجود، تصمیم بر ادامه وضع موجود گرفتند تا از این طریق، ویرانی‌های ناشی از جنگ و نیز فقر و گرسنگی را از میان بردارند و بدین شکل بود که تمرکزگرایی در اقتصاد و نظام‌های سیاسی، ریشه دوانید، هرچند این تفکر موافق و مخالفانی دارد که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد (فون هایک^۱، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۳). همین نظام بسته مدیریتی و برنامه‌ریزی، نه تنها اقتصاد، بلکه زندگی خصوصی مردم را نیز تحت تأثیر قرار داد و این نظام بسته سیاسی به دلیل نیاز مبرم به اجبار و زور، افراد مصلح و آزادی‌خواه را به حاشیه راند و آزادی‌های فردی را محدود کرد. در چنین شرایطی دولت صرفاً در پی انحصار است و رقابتی در اقتصاد توان شکل‌گیری ندارد. در چنین فضایی دولتمردان و متنفذان حکومتی، از انحصار دولت بهره‌برداری کرده و قراردادهای نجومی را منعقد می‌سازند و کارکنان و کارمندان دولت، نقش دلال و واسطه را بازی خواهند کرد (فون هایک، ۱۳۹۵: ۱۳). این حکومت‌ها از طریق بروکراسی به اصطلاح خیرخواهانه و صادق، مستبدانه به تمشیت امور می‌پردازند و هیچ کنترل مؤثری از سوی پارلمان بر آنها اعمال نمی‌شود (فون هایک، ۱۳۹۵: ۴۱). نفوذ دامنه فساد در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به سوی اقتصاد باز (بازار آزاد)، به علت فراهم نبودن زیرساخت‌ها و عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در نظام اقتصادی آنهاست (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۴). اقتصادهای از بالا هدایت‌شده از دلایل اساسی شیوع ارتشا و اختلاس و انواع دیگری از مفاسد مالی است، تجربه کشورهای جنوب آسیا نشان می‌دهد که اگر مدیران، قدرت نامحدود داشته باشند و مبسوط‌الید باشند و از نظر مادی نیز در شرایط مناسبی نباشند، تمایل و گرایش ایشان به فساد مالی تشدید می‌شود. فساد خصوصیت مسری بودن دارد، رفتار مقامات عالی‌رتبه، تأثیر زیادی بر شاکله سیستم مدیریتی خواهد داشت و ریشه فساد را می‌بایست بین مقامات بالا

1. Hayek, Friedrich

جست‌وجو کرد (محنت‌فر، ۱۳۸۷: ۳). وجود اقتصاد زیرزمینی و فعالیت‌های اقتصادی پنهان، از دلایل قوی وجود پولشویی در نظام اقتصادی است. برای نمونه میزان اقتصاد پنهان در کشورمان حدود ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده شده و تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۰ حدود ۷۰۰ هزار میلیارد ریال معادل ۱۴۰ میلیارد دلار بوده است، از این‌رو میزان پولشویی در آن سال می‌باید مبلغی حدود ۵۰ میلیارد دلار برآورد شود، در بسیاری از کشورهای اروپایی، اقتصاد پنهان (زیرزمینی)، فقط ۲ تا ۳/۵ درصد تولید ناخالص داخلی را در برمی‌گیرد، اما در ایران این میزان حدود ۴۰ درصد است (رئیس دانا، ۱۳۸۱: ۱۲).

۳. بافت سیاسی و اجتماعی

تأثیر فساد بر رشد اقتصادی تا حدودی متأثر از بافت سیاسی و اجتماعی محیط پیرامونی است. در جوامعی که آزادی‌های مدنی و سیاسی مطابق با معیار پذیرفته‌شده بین‌المللی رعایت می‌شود، فساد تأثیر چشمگیری بر رشد اقتصادی نداشته است. علاوه بر آن با رشد ثروت‌های عمومی کشور، زمینه فساد مهیا می‌شود، اما در جوامعی که باورمند به دموکراسی و حقوق بشرند، سوء استفاده از ثروت‌های عمومی به راحتی فراهم نمی‌شود. در واقع صرف ادعای حکمرانی مطلوب، برای مبارزه مؤثر با فساد کفایت نمی‌کند، بلکه سطح آگاهی و التزام شهروندان نیز به اصول اخلاقی و حقوق بشر و شهروندی در فرایند مبارزه تأثیر بسزایی دارد. دو عامل دل‌بستگی و عقلانیت در به‌وجود آمدن حس مسئولیت اجتماعی نقش مؤثری دارند. در جامعه‌ای که شهروندان نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند و از طرفی مصالح عمومی را در حفظ انسجام و ثبات سیاسی جامعه می‌دانند، کمتر شاهد فساد هستیم، زیرا جامعه آگاه است که ثبات سیاسی، خیر عمومی و نظم اجتماعی، همگی به هم وابسته است، مصلحت عمومی در حفظ نظم و ثبات است و این مهم حاصل نخواهد شد جز با احساس مسئولیت شهروندان در مقابل یکدیگر و جامعه خود (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۳۰). بدیهی است در جامعه‌ای که نگاه سیاه و سفید در آن حاکم باشد و شهروند درجه یک و دو داشته باشد، هیچ‌گاه شاهد شکل‌گیری این احساس مسئولیت مشترک نخواهیم بود، زیرا مصلحت عمومی، صرفاً در راستای حفظ و استمرار منافع طبقه‌ای خاص تعریف شده است و نه همه شهروندان و جامعه. در چنین جامعه‌ای، نقد و نقادی به عنوان مجرمانه بدل شده و هر جنبش اعتراضی، با برچسب امنیتی، سرکوب می‌شود. در چنین شرایطی، فساد در آرامش و امنیت به حرکت خزنده و ویرانگر خود ادامه می‌دهد.

پیامدهای عمومی پدیده فساد

فساد مالی، اولین تأثیر خود را در بخش بودجه‌ریزی کشور و سیستم مالی عمومی خواهد

گذاشت. بخش زیادی از منابع مالی دولت، از مسیر خود منحرف شده و دولت در اجرای طرح‌های عمرانی و پروژه‌های ملی خود دچار بحران می‌شود (کمالی، ۱۳۹۲: ۱). متعاقباً درآمد دولت کاهش می‌یابد و دولت در عمل به وعده‌ها و برنامه‌های خود ناتوان می‌شود؛ اختلافات طبقاتی تشدید می‌شود؛ تنازعات در جامعه بالا می‌گیرد و اعتراضات در میان لایه‌های جامعه، زیان‌ها می‌کشد؛ افشار ضعیف، هر روز ضعیف‌تر می‌شوند و در مقابل، اشرافیت در میان درصد معدودی در جامعه، رواج می‌یابد؛ کارایی دولت و نهادهای عمومی و حتی ساختارهای مالی، به شدت کاهش می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت که پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور ما می‌تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود (دادگر، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۰). فساد عملکرد دولت را تخریب می‌کند و سبب کم شدن خدمات ارائه‌شده از جانب دولت می‌شود و با تضعیف دولت، احترام به قانون، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد (هاستد، ۲۰۰۲: ۴۱۲-۴۰۳). بنابراین از توانایی و ظرفیت دولت برای کمک به شهروندان و افراد فقیر کاسته می‌شود. فساد گسترده و فراگیر، از علائم ضعف دولت است و در ادامه می‌تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را تضعیف کند و بحران مشروعیت سیاسی^۱ و ناکارآمدی حکومت را موجب شود (گرگیچ، ۱۳۹۵: ۲۴). نظام اداری از ابزار ضروری اجرایی شدن برنامه‌های دولت است و شیوع فساد گسترده در آن، نه تنها موجب عقیم ماندن برنامه‌های دولت می‌شود، بلکه امید مردم و شهروندان را به تغییرات مثبت و حرکت در مسیر توسعه کشور، کم‌رنگ می‌سازد و مردم نگاهی منفی به حکومت خواهند داشت (اکبرنژاد و یعقوبی، ۱۳۹۳: ۱۷۱-۱۷۰). فساد، مناسبات دولت و مردم را در جامعه به شدت تخصمی و تقابل طلبانه می‌کند. دولتی که عناصری از آن فاسد و رشوه ستانند، می‌کوشد حقایق از دید مردم پوشیده بماند و مردمی که به هر حال از آن واقعیت‌ها باخبر شوند، بیشتر و بیشتر به حکومت بی‌اعتماد می‌شوند و این بی‌اعتمادی، مشروعیت آنها را کاهش می‌دهد و در نتیجه توان دولت در پیشبرد سیاست‌ها را تضعیف می‌کند (سیف، ۱۳۷۶: ۲۶). زمانی که فساد خرد به الگوی غالب رفتار اداری تبدیل و از سطح اعمال فاسد معدودی کارمند فرومایه بیشتر می‌شود، به آن فساد سیستماتیک^۲ می‌گویند (فاضلی، ۱۳۸۸: ۲۷). صاحب‌نظران علوم حسابداری معتقدند فساد مالی، استقلال حساب‌رسان و مؤسسات حسابرسی را مخدوش خواهد کرد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). از آنجا که فضای سرمایه‌گذاری برآیند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری است، بنابراین ملاحظه‌های اقتصادی تنها عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی محسوب نمی‌شود و عواملی همچون ثبات سیاسی کشور میزبان و فضای اقتصادی آن از دیگر عوامل تأثیرگذار بر تصمیم سرمایه‌گذاری خارجی محسوب

1. Political Legitimacy Crisis
2. Systemic Corruption

می‌شود (بورنزیستین^۱ و همکاران، ۱۹۹: ۱۸۶). فساد از راه ایجاد موانع بر عملکردها و سیاست‌های راهبردی دولت‌ها در تضاد با منافع اکثریت، موجب اتلاف منابع عمومی آنها می‌شود، منابعی که می‌بایست از آنها به روشی باثبات و مولد بهره‌برداری شود. فساد، منابع مالی را از اهداف معین شده، منحرف می‌سازد و زمانی که دولت در محاصره شبکه‌های فساد گرفتار می‌شود، این مشکل و انحراف، تشدید و تعمیق می‌گردد (آندریا، ۱۳۷۵: ۲۷). همه اینها مانع بهبود فضای سرمایه‌گذاری، محیط کسب‌وکار و در نتیجه افت و کاهش سرمایه‌گذاری و در نهایت توقف رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌شود (مائورو^۲، ۱۹۹۵: ۱۳۱). به باور اقتصاددانان، پول کثیف به هر ترفندی که وارد نظام اقتصادی شود، به مانند ویروس یا غده سلطانی، تمام نظام اقتصادی را درگیر خود خواهد کرد، پول کثیف، برای رساندن عوایدش به صاحبان اصلی خود که همان بزهکاران، مجرمان یا یقه‌سفیدان هستند، معمولاً در فعالیت‌های کم‌بازده و بخش پنهان اقتصاد، سرمایه‌گذاری و مصرف می‌شوند (آلدريج^۳، ۲۰۰۲: ۳۱). برای نمونه در خصوص پولشویی، عنوان شده است که در سال یک تریلیون دلار پولشویی می‌شود که معادل یک‌ششم تولید ناخالص آمریکا و حتی بیش از تولید ناخالص کانادا به‌عنوان نهمین اقتصاد جهان است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۶۹).

نفوذ و تأثیر جریان‌های فاسد بر نهادهای تصمیم‌ساز

طبق آمارهای ارائه‌شده از سوی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۴، تولید مواد مخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۴ به ۶،۴۰۰ تن رسیده و این میزان نسبت به سال ۲۰۱۲ حدود ۴۹ درصد رشد داشته است. یک سوم از این میزان مواد مخدر از طریق ایران به اروپا ترانزیت می‌شود. درآمد حاصل از این اقتصاد غیرقانونی، موجب پولشویی و تعمیق فساد در منطقه می‌شود، به حدی که ادامه آن قادر خواهد بود تا امنیت، توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دچار اختلال کرده و حاکمیت دولت را تهدید کند. افغانستان ۷۰ درصد منابع مواد مخدر جهان را داراست و ۱۴ درصد از منابع هروئین و مورفین جهان متعلق به افغانستان است. ۳۷ درصد از هروئین افغانستان سالانه از طریق آن کشور و پاکستان به داخل ایران قاچاق می‌شود، البته ایران از قوی‌ترین برنامه‌های مقابله با مواد مخدر را اجرا می‌کند و در سه دهه اخیر ۳،۷۶۲ نفر از نیروی ایران، جانشان را در این مسیر از دست داده و ۱۲،۰۰۰ نفر نیز مجروح شده‌اند. در ایران جمعیتی حدود ۱،۳۲۵،۰۰۰ نفر (معادل ۲/۲۶ درصد جمعیت ایران)

1. Borensztein
2. Mauro
3. Alldridge
4. UNDOC

دچار اعتیاد به مواد مخدرند، البته سوء مصرف از ترکیبات آمفتامین در ایران در حال رشد است.^۱ این تجارت عظیم سبب شده است تا مراکز پولشویی برای تطهیر درآمد و عواید حاصل از مواد مخدر در ایران و منطقه رشد کند، برای نمونه طبق گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۸، امارات متحده از بزرگ‌ترین مراکز پولشویی محسوب می‌شد و از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی که عواید حاصل از جرائم در آن سرمایه‌گذاری می‌شود، بخش مسکن در دبی است. حائز اهمیت آنکه در این گزارش به اظهارات وزیر کشور ایران نیز اشاره شده که مجموع ارزش قاچاق و فروش مواد مخدر در ایران را در حدود ۶ میلیارد دلار به صورت سالانه تخمین زده است.^۲ چنین حجم وسیعی از عواید حاصل از جرائمی همچون قاچاق مواد مخدر، به منظور تطهیر به بستری مناسب جهت تبادل در سیستم مالی و نظام بانکی نیاز دارد و از طرفی می‌بایست در قالب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف، به کار رود تا از این طریق، منشأ آن (جرائم موصوف) پاک شود. حجم چنین تبدالی نیازمند همراهی و همکاری با متنفذان سیاسی و اقتصادی است، اینجاست که جریان‌های تبهکار در پی ارتباط‌گیری میان مسئولان بوده و با نفوذ از طریق ارتشا و تأثیرگذاری بر تصمیمات نهادهای عمومی و حاکمیتی و حتی نظام‌های انتخاباتی، در صدد نفوذ و البته تثبیت جایگاه خود برمی‌آیند و تصمیمات را بر پایه منافع خود، بازتعریف می‌کنند. در این مرحله است که حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت نهادها و مسئولان آنها، مخدوش و متأثر از ارتباطات موصوف می‌شوند.

ضرورت التزام دولت‌ها به مفهوم شهروندی

دولت‌ها همواره به عنوان پاسدار آزادی‌های فردی تعریف شده‌اند و در این موضوع اشتراک دارند که عرصه‌ای که دولت در آن دخالت می‌کند، کلاً از عرصه زندگی شخصی شهروندان جداست، از این رو با دو عرصه کاملاً منفک از یکدیگر مواجهیم؛ عرصه امور حکومتی و عرصه امور شخصی، اما افزایش فزاینده جمعیت و توسعه بی‌حد و حصر ارتباطات و تنوع مسائل، نشان می‌دهد که فرد و دولت، دو موضوع مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه سرنوشت تک‌تک افراد انسانی، معلق بر اداره درست امور عمومی است و اداره مطلوب امور عمومی نیز بدون نقش‌آفرینی گسترده وسیعی از نهادها و اشخاص، امکان‌پذیر نیست (شریفی طراز کوهی و مدرس سبزواری، ۱۳۹۳: ۱۱۱). در حکومت دموکراتیک، فرض بر آن است که مشروعیت حاکمان و الزام‌آور بودن قوانین، ناشی از اراده شهروندان است، حکمرانی مطلوب ناظر بر اداره صحیح فضای میان فرمانروا و فرمانبر

1. https://www.unodc.org/islamicrepublicofiran/en/unodc_iran_country_partnership_programme.html?lf=35&lng=en (Accessed November 13.2019)

2. <https://www.state.gov/documents/organization/290502.pdf> (Accessed September 10.2018)

است، این فضا را در اصطلاح سپهر عمومی^۱ می‌نامند. عرصه عمومی، حد واسط بین عرصه خصوصی^۲ و عرصه اقتدار عمومی^۳ است (شریفی طرازکوهی و مدرس سبزواری، ۱۳۹۳: ۱۱۲). عرصه عمومی پیونددهنده حاکمیت و شهروندان است؛ عرصه عمومی مجال ابراز عقیده و نظر را برای شهروند در برابر دولت فراهم می‌سازد، هرچه حکومت بی‌اعتقاد به آزادی و حقوق بشر باشد، این مجال تنگ‌تر و بی‌معناتر خواهد شد، در حکومت‌های تمامیت‌خواه، اساساً چنین فضایی به شهروندان داده نمی‌شود و چیزی به نام سپهر عمومی واقعی وجود ندارد، زیرا این پیوند در زیر چتر آزادی بیان، آزادی اجتماع و آزادی ابراز عقیده معنا می‌یابد. با اطمینان می‌توان گفت که حکمرانی مطلوب، ضامن فراهم ساختن چنین فضایی برای شهروندان است و چنین حکومتی را می‌توان حکومت دموکراتیک نام نهاد. مدیریت صحیح عرصه عمومی و تضمین آزادی‌های بنیادین شهروندان، راه را برای ابراز عقیده و نظر و حتی اعتراض و نقد باز می‌کند و در چنین فضایی، جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌توانند به وظایف خود عمل کنند و مطالبات شهروندان را به دولتمردان منتقل و حتی ایشان را مجبور به پاسخگویی کنند. در فضایی که امکان نقد، اعتراض، ابراز عقیده و امکان تجمع و آزادی جریان اطلاعات وجود دارد و دولت این آزادی‌ها را برای شهروندان تضمین می‌کند، امکان تعمیق فساد، بسیار کم است، فساد در فضایی رشد می‌یابد که فاقد حداقل آزادی‌های بنیادین باشد و حکومت خود را فعال مایشاء تشخیص دهد و شهروندان را صرفاً در حد رعیت فرض کند. حکومت از عناصر سنتی تشکیل دولت تلقی می‌شود و حکومت در مفهوم حقوق بین‌الملل دارای دو بعد به‌هم پیوسته و وابسته است؛ یک بعد آن، برخورداری از نظام سازمان‌یافته اجرایی، سیاسی و اداری است و بعد دیگر آن مؤثر بودن حکومت موصوف است، از این‌رو حکومتی که مدعی استقرار است، می‌بایست ظرفیت و ابزار لازم را برای سازمان امور و برقراری نظم در سرزمین خود داشته باشد (رنجبریان و فرحزاد، ۱۳۹۴: ۲۶۰). دولتی که قادر به تأمین حقوق بنیادین شهروندان خود نباشد، به مرور زمان اعتبار و اعتماد عمومی شهروندان را از دست خواهد داد و در مرور زمان، با بحران امنیت عمومی مواجه خواهد شد.

حقوق بشر و پیشگیری از فساد

همه حق‌های بشری، در شأن و منزلت انسانی و کرامت انسانی ریشه دارند و برای برخورداری شهروندان از زندگی محترمانه، فرد باید از همه این حقوق برخوردار شود. حکومت مردم‌سالار، به منظور اعمال حاکمیت مؤثر خود، ناگزیر از ایجاد تحدیدات حقوق افراد است که به وضع حقوق

1. Public Sphere
2. Private Sphere
3. Sphere of Public Authority

شهروندی منجر می‌شود (حبیب‌زاده و فرج‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۵). ترجیحی بین این حقوق بنیادین افراد وجود ندارد، در صورت فقدان آزادی و تعمیق فساد و عدم شفافیت، به‌طور قطع پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری از میان خواهد رفت و این وضعیت به هرج‌ومرج اقتصادی منجر خواهد شد و البته پایدار نخواهد ماند. در جوامع آزاد، رفع نیازهای معیشتی و اقتصادی انسان‌ها ضروری است، از این‌رو آزادی به‌خودی‌خود نمی‌تواند جامعه را به سعادت رهنمون سازد و باید نیازهای اقتصادی شهروندان برآورده شود. برخی آزادی‌های بنیادین، با دخالت حداقلی دولت محقق می‌شوند و معلق و مشروط به ورود تمام‌عیار دولت نیستند، اما برخی حقوق مانند حقوق اجتماعی و اقتصادی، به راحتی و بدون دخالت حداکثری دولت قابل تحقق نیست، برای نمونه می‌توان به حق آموزش، حق مسکن، حق بر آب و حق بر کار اشاره کرد. گزارش شورای بین‌المللی سیاست حقوق بشر^۱ در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان «فساد و حقوق بشر؛ پیوندسازی»، به ارتباط و ضرورت مبارزه با فساد و تأثیر آن بر حقوق بشر و برعکس پرداخته است. شورای موصوف، سه مدل نقض حقوق بشر به‌واسطه فساد را مدنظر قرار داده است، نقض مستقیم، نقض غیرمستقیم و نقض دور^۲ (نژندی نژندی‌منش، ۱۳۹۳: ۸۵). فساد، ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت و اعتماد را زایل می‌کند (سام‌دلیری، ۱۳۸۲: ۵۹). نگاهی به جرائم جهانی شده مانند جرائم تروریستی، پولشویی، فساد مالی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و قاچاق اعضای بدن انسان، مؤید این موضوع است که همگی کرامت انسانی را هدف قرار داده‌اند. فلسفه وجودی عرف و اسناد بین‌المللی، پیشگیری از جرائم جهانی شده است که اگر نگوییم همه، اغلب در مقام پیشگیری از نقض حق‌های بشری و ایجاد فضایی مناسب برای زندگی شرافتمندانه جهانی‌اند. بنابراین دولت‌ها در اجرای تعهدات حقوق بشری خود، از رهگذر پیشگیری قادرند بخش اعظم تعهدات جهانی خود را مورد احترام قرار دهند یا به اجرا درآورند. به‌عبارت دیگر، تعهد دولت‌ها به مبارزه با جرم و پیشگیری از آن، در چارچوب منشور بین‌المللی حقوق بشر، معنا پیدا می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

۱. لزوم پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در حکمرانی شایسته

فساد از نوع نامند آن، بدترین شکل از فساد است که علاوه بر درگیر کردن سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی، موجب تضعیف هرچه بیشتر اعتماد عمومی شهروندان نیز می‌شود و در ادامه روند رشد خود، حاکمیت قانون و حکمرانی مطلوب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بی‌اثر می‌سازد (گتی^۳، ۲۰۰۹: ۱۲۷) و بیشترین تأثیر خود را بر اقتصاد کشور خواهد گذاشت که نمونه‌های آن در آفریقا دیده شده است. برای نمونه می‌توان به مقدمه اعلامیه کمپین یازده کشور آفریقایی در

1. International Council on Human Rights Policy

2. http://www.ichrp.org/files/reports/58/131b_report.pdf (Accessed March 21.2018)

3. Gathi

خصوصاً استرداد و تحصیل ثروت آنها اشاره کرد^۱ که در مقدمه خود به تصرف غیرقانونی ۲۰ تا ۴۰ میلیارد دلار از ثروت آنها توسط کارگزاران فاسد پرداخته است که به شکل وجوه نقد، سهام، اموال منقول و غیرمنقول در سایر کشورهای دنیا، نگهداری می‌شود.^۲ برای نمونه، وزارت اطلاعات نیجریه در ژانویه ۲۰۱۶ اعلام داشت که طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ مقامات عالی‌رتبه دولت از طریق شرکت‌های دولتی و خصوصی، به میزان ۹ میلیارد دلار از خزانه نیجریه را ربوده‌اند و به طور مشابه در سیرالئون، در حالی که آن کشور با بحران بیماری ابولا^۳ دست و پنجه نرم می‌کرد و بودجه‌ای در حدود ۱۴ میلیون دلار را به آن اختصاص داده بود، ۱۲ میلیون دلار را برای خرید ۱۰۰ دستگاه اتوبوس چینی از محل خزانه و بودجه عمومی کشور هزینه کرد.^۴ بیشتر این ثروت‌های تحصیل شده از طرق غیرقانونی، به کشورهای هم‌چون ایالات متحده، انگلستان، سوئیس، لیختن‌اشتاین و جزایر کایمن، منتقل شده که گزارش‌های آن توسط کمیسیون بانکی سوئیس^۵ و اداره خدمات مالی بریتانیا منتشر شده است.^۶ در چنین شرایطی می‌بایست از دولت‌ها توقع داشت تا به استرداد اموال اقدام کنند. اما اغلب دولت‌های قربانی، میلی به تقاضای استرداد یا پیگیری مؤثر آنها ندارند، زیرا کارگزاران این دولت‌ها معمولاً از چنین شرایطی منتفع‌اند و این تعارض منافع، اجازه اقدام مناسب را به آنها نمی‌دهد. این در حالی است که دولت‌ها وفق مواد ۴۳ تا ۵۹ کنوانسیون مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳ ملل متحد^۷، متعهد به همکاری در جهت استرداد این اموال شده‌اند. به‌طور خاص ماده (۲) ۳۱ کنوانسیون مبارزه با فساد، هر دولت عضو را متعهد به اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور شناسایی، ردگیری و توقیف اموالی دانسته است که از طرق غیرقانونی و فساد تحصیل شده‌اند. در چنین شرایطی، اقدام به منظور استرداد یا طرح تقاضا می‌بایست براساس اقدام کشور یا دولت قربانی فساد صورت پذیرد. حقوق نسل دوم را می‌توان از مهم‌ترین مباحث این حوزه تلقی کرد. گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ در خصوص توسعه تأکید می‌کند بدون دولت کارآمد، توسعه پایدار در بعد اقتصادی و اجتماعی، غیرممکن است و فساد مانعی در مقابل رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید.^۸ صندوق بین‌المللی پول، در اوایل دهه نود، به دلیل ماهیت غیراقتصادی مفهوم حکمرانی مطلوب، اشتیاقی به استفاده از آن در توصیه‌ها و اصول راهنمای خود نداشت، تا اینکه در اواسط دهه نود، تصمیم گرفت تا از

1. Nyanja Declaration, Zimbabwe, on 1 March 2001

2. https://www.transparency.org/news/pressrelease/transparency_international_launches_campaign_to_repatriate_africas_stolen_w

3. Ebola

4. Abdul R. Thomas, 'Sierra Leone Bus gate Scandal-Anti-Corruption Commissioner Speaks Out' available at <https://www.thesierraleonetelegraph.com/sierra-leone-busgate-scandal-anti-corruption-speaks/> (accessed 7 March 2017)

5. Swiss Federal Banking Commission(SFBC)

6. The British Financial Services Authority (FSA)

7. https://www.unodc.org/documents/brussels/UN_Convention_Against_Corruption.pdf

8. World Development Report 1997 available at <http://www.imf.org/external/np/exr/dec.pdf>

این مفهوم بهره‌برداری کند (گولد^۱، ۱۹۹۳: ۱۴۶). در سپتامبر ۱۹۹۶، صندوق بین‌المللی پول در اعلامیه خود موسوم به «مشارکت برای رشد پایدار جهانی»، بر ترویج حکمرانی مطلوب را در همه ابعاد، تأکید کرد و به‌طور خاص بر ضرورت حکومت قانون، کارآمدی و مسئولیت‌پذیری بخش عمومی و مبارزه با فساد به‌عنوان عناصر بنیادین ساختاری که موجب رشد اقتصادی می‌شوند، متمرکز شد (گتی^۲، ۱۹۹۹: ۱۴۶). بانک جهانی نیز از شش معیار برای سنجش و ارزیابی کیفیت حکمرانی استفاده می‌کند؛ میزان فساد در نهادهای عمومی، آزادی بیان و مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، کارآمدی دولت، کیفیت تصویب قوانین و حاکمیت قانون (بانک جهانی^۳، ۲۰۰۶: ۱۲-۹). اطلاعات و آمار بانک جهانی نشان می‌دهد کشورهای با دموکراسی پویا و زنده، همچون پرتغال، شیلی و کانادا، فساد کمتری دارند، در مقابل، کشورهایی که از فقدان آزادی بیان رنج می‌برند یا فاقد دولت مسئولیت‌پذیر و پاسخگو هستند، فساد بیشتر و عمیق‌تری دارند (توماس^۴، ۲۰۱۰: ۴۲-۳۶).

۲. لزوم تضمین اصل برابری و عدم تبعیض

اصل عدم تبعیض، اساسی‌ترین حق بشری است که در ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است (ویوی^۵، ۲۰۰۴: ۲). ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق برابری افراد در برابر قانون را تضمین می‌کند. در شرایطی که فساد نظام‌مند در دولت ریشه دوانیده، تعریف مخارج دولت هم توسط یک مقام فاسد صورت می‌گیرد. فساد فرهنگ عدم اعتماد را در جامعه رواج می‌دهد، آرامش و امنیت را زیر سؤال می‌برد و تبعیض و نارضایتی را دامن می‌زند (شریفی بجستانی، ۱۳۸۵: ۶۶)، بی‌شک چنین شرایطی از مصادیق نقض حق برابری و عدم تبعیض شناخته می‌شوند. دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی، اعلام داشته است که فساد و سوء مدیریت مغایر با حاکمیت قانون و ارزش‌های بنیادین مندرج در قانون اساسی آن کشور است و موجب تضعیف پایبندی به کرامت انسانی و تحقق برابری و پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین می‌شود (راشتون^۶، ۲۰۱۱: ۱۲). در رأی سال ۲۰۱۲ دیوان عالی هند، به‌صراحت آمده است که فساد موجب تضعیف حقوق بشر و نقض غیرمستقیم آن می‌شود و فساد نظام‌مند به‌خودی‌خود، نقض حقوق بشر است (راشتون، ۲۰۱۱: ۱۱). دولت‌ها با توجه به امره بودن این حقوق، متعهد به

1. Gold
2. Gathii
3. World Bank
4. Thomas
5. Weivi
6. Rushton

تضمین آنها هستند و احترام به اصل برابری و پیشگیری از تبعیض، نفوذ فساد و زمینه‌های ظهور آن را تضعیف خواهد کرد. هر کجا که دالان و منفذی برای تخدیش این اصل بنیادین باز شود، جریان‌های فاسد بر آن موقعیت سرمایه‌گذاری کرده و متمرکز خواهند شد، زیرا در چنین موقعیتی، امکان ارتشا، تحصیل مال از طرق نامشروع، اختلاس و پولوشویی فراهم خواهد بود.

۳. جریان آزاد اطلاعات در تقابل با فساد

در دنیای معاصر، آزادی اطلاعات پیش‌شرط دموکراسی است و اکسیژن مردم‌سالاری لقب گرفته است. حق دسترسی به اطلاعات در بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شده است، به‌خصوص کشورهایی که ادعای مردم‌سالاری دارند و حاکمیت را متعلق به مردم می‌دانند. آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات، جزء حقوق طبیعی شهروندان قلمداد می‌شوند، زمانی که حاکمیت خود را متعلق به شهروندان بداند، مردم را نیز از شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آگاه خواهد کرد و شرایط دسترسی مردم را به اطلاعات صحیح، فراهم خواهد ساخت. اگر مردم ندانند در جامعه چه می‌گذرد و از اعمال و اقوال مدیران و حکمرانان خود بی‌خبر و بی‌اطلاع باشند، چگونه قادر خواهند بود تا در جامعه خود ایفای نقش کنند و سهمی در هرم قدرت داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۴۱). در گذشته مشارکت مردم در حکومت و تعیین سرنوشت خود در ایام انتخابات صورت می‌پذیرفت و پس از انتخابات، مردم از عملکرد و تصمیمات انتخاب‌شوندگان خود بی‌اطلاع بودند و انتخاب‌شوندگان نیز نه‌تنها خود را مکلف به پاسخگویی به مردم نمی‌دانستند، بلکه با هر گونه آزادسازی اطلاعات و ارائه دسترسی مردم به آنها نیز مقاومت می‌کردند. اما در این روزگار که مردم با موج وسیع اطلاعات روبه‌رو هستند، انتخاب‌شوندگان به‌شدت تحت نظارت مستمر مردم قرار دارند و هر گونه تصمیم‌سازی غلط یا برخلاف مصلحت، با عکس‌العمل‌های مردم و انتخاب‌کنندگان روبه‌رو می‌شود.

۴. حاکمیت قانون^۱ در تقابل با فساد

به‌طور معمول شهروندان هر کشور، از حد و اندازه فساد در کشورشان مطلع‌اند. آنها با فساد در روابط روزانه خود از معاملات و رسیدگی به امور اداری گرفته تا امور درمانی و تأمین اجتماعی، دست و پنجه نرم می‌کنند. شهروندان در خط مقدم مبارزه با فساد قرار دارند. عموم مردم در حالی برای امرار معاش خود و برآورده ساختن نیازهای اساسی خود در چنین سیستم فاسدی کار می‌کنند که همزمان احساس نابرابری و بی‌عدالتی در آنها رشد می‌کند.^۲ برای نمونه می‌توان

1. Rule of Law

2. <https://richardbistrong.com/corruptions-impact/> (Accessed November 13, 2017)

می‌توان به تونس اشاره کرد، جایی که بازار و نظام اقتصادی تحت سیطره خانواده و منسوبان زیدالعبیدین بن علی، رئیس‌جمهور سابق آن کشور بود. نظام اقتصادی آن کشور با محدودیت‌های شدید روبه‌رو بود و هر کسی امکان ورود به عرصه اقتصادی آن کشور را نداشت و در نهایت، مردم خشمگین با برگزاری اعتراضات مسالمت‌آمیز، به حکومت او پایان دادند. نمونه دیگر، دولت سابق کشور مالی است که رئیس‌جمهور وقت آن کشور آمادو توومانی توره که از رهبران دموکراتیک در قاره آفریقا شناخته می‌شد، با شورش‌ها و اعتراض‌های خشونت‌آمیز در شمال آن کشور مواجه شد و پیروزی‌های بعدی معترضان، حکایت از خشم و کینه نهادینه شده در میان مردمی داشت که توسط حکومت به حاشیه رانده شده بودند؛ این شورش‌ها، میزان نارضایتی مردم و حتی نیروهای امنیتی را نیز منعکس کرد. مردم آن کشور، از خروج رئیس‌جمهور توره، استقبال می‌کردند و شرایط حادث‌شده را ناشی از سوء مدیریت و مصونیت او از پیگیری‌های قانونی می‌دانستند. زمانی که فساد به نقطه اوج خود می‌رسد، نهادهای عمومی و دولتی را درگیر می‌کند و با نفوذ در بدنه اجرایی کشور، نظام اجرای قوانین را مختل می‌سازد و از این طریق موجب کاهش یا سقوط حاکمیت قانون در کشور می‌شود. در چنین شرایطی، پلیس نقش خود را به‌عنوان حافظ امنیت شهروندان از دست می‌دهد، دستگاه قضایی در دسترس شهروندانی که امکان پرداخت هزینه‌ها و یا پرداخت رشوه ندارند، نخواهد بود و شهروندان عادی و ناتوان از پرداخت رشوه، امکان پیگیری مؤثر حقوق خود را نخواهند داشت. این دو نهاد (پلیس و دستگاه قضایی)، در همه جای دنیا به‌عنوان نهادهایی شناخته می‌شوند که بیشترین پتانسیل را برای فساد نظام‌مند دارا هستند. در نمونه‌هایی که ذکر شد (تونس و مالی)، شهروندان به آستانه‌ای رسیدند که حاکمیت قانون را به‌مثابه منفعت اصیل خود و تنها راه برون‌رفت از شرایط موجود در کشورشان تلقی کردند و دولت مستقر را به دلیل فساد نظام‌مند، فاقد مشروعیت^۱ دانستند و آنها را سرنگون کردند. نمونه دیگر، در خصوص نفوذ فساد در نیروهای امنیتی، به کشور تونس بازمی‌گردد، کشوری که بودجه کلانی را برای ساخت موانع مرزی به‌منظور پیشگیری از نفوذ عوامل تروریستی از کشور لیبی، به نیروهای امنیتی خود اختصاص داد، اما به دلیل عدم توزیع و حیف و میل آن بودجه، تروریست‌ها با پرداخت رشوه به سربازان و برخی فرماندهان هنگ‌های مرزی، به داخل تونس نفوذ می‌کردند. در چنین شرایطی، می‌توان به این نتیجه رسید که نفوذ فساد در نیروهای امنیتی، قادر است کل نظام حاکمیتی را به سرایشی سقوط هدایت کند.^۲ فساد موجب عصبیت شهروندان و کاهش اعتماد عمومی آنها به دولت می‌شود و سطح امنیت عمومی را به شدت کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، فساد اجازه می‌دهد تا قانون‌شکنان و ناقضان حاکمیت قانون، به حیات خود ادامه دهند.

1. legitimacy

2. undermining the whole system

۷. مسئولیت‌پذیری^۱ کارگزاران حکومتی و توانمندسازی شهروندان

مسئولان می‌بایست در نهایت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در برابر مردم، نسبت به دوران تصدی خود بر منابع ثروت آنها پاسخگو باشند، هیچ مصلحتی بالاتر از رعایت حقوق مردم، تحصیل رضایت آنها و تضمین استقلال سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها وجود ندارد. دولت‌ها مکلف‌اند تا این استقلال اقتصادی را با تصویب قوانین در راستای تضمین شفافیت، دسترسی به اطلاعات و حفظ جریان آزاد اطلاعات برای شهروندان فراهم سازند. حائز اهمیت آنکه حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی برای تحقق حق بنیادین شهروندان، متضمن نهادهای مدنی و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه است. این سازمان‌ها مسئولیت دارند تا ضمن جلب حضور و مشارکت شهروندان در صحنه، به رسالت آگاهی‌بخشی خود و آموزش شهروندان اقدام کنند. بدیهی است اگر ظرفیت‌سازی و توانمندسازی شهروندان صورت نپذیرد و آنها از جوانب مختلف حق بر تعیین سرنوشت خود آگاه نشوند، امکان دفاع و طرح مطالبات قانونی خود را در این خصوص نخواهند داشت. فقدان این سطح از آگاهی در جامعه، موجب تسلط بیشتر بیگانگان، مفسدان اقتصادی و دشمنان ملت خواهد شد تا با خیالی آسوده، همچنان به غارت و بهره‌کشی از منابع ثروت ملت ادامه دهند و در این زمینه از هیچ سرکوب و مواجهه‌ای با شهروندان نیز هراسی نخواهند داشت (اسلامی، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۵). در چنین شرایطی، غارتگران بیت‌المال و ثروت ملی، درصدد خواهند بود تا با نفوذ در جریان‌های سیاسی، با تحت تأثیر قرار دادن نظام انتخابات و گزینش نمایندگان مردم، قدرت محوله به رهبران سیاسی را در راستای منافع حزبی و گروهی آنها بازتعریف کنند که به تمرکز هرچه بیشتر قدرت و ثروت جریان یا افراد متنفذ سیاسی در جامعه می‌انجامد (سپه‌سرا، ۱۳۹۷: ۸).

نتیجه‌گیری

التزام به حقوق و آزادی‌های بنیادین و رعایت و احترام به حقوق بشر در فضای داخلی و پایبندی دولت‌ها به الزامات و هنجارهای جامعه جهانی، ملاک عضویت در جامعه بین‌المللی است و رعایت صلح و امنیت مبتنی بر اخلاق و حقوق بشر، از مبانی الزام‌آور بودن حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. جرائم جهانی و البته فساد، اغلب کرامت انسانی و حقوق بشر را هدف قرار می‌دهند و از آنجا که دولت‌ها به حفظ، رعایت و حمایت از کرامت انسانی و حقوق بشر متعهدند، ایفا و اجرای این تعهد، تنها از مسیر مبارزه کیفری علیه جرائم موصوف و رعایت تعهدات سلبی محقق نمی‌شود، بلکه التزام به تعهدات ایجابی دولت‌ها از طریق حرکت به سوی رویکردهای پیشگیرانه، حائز نقشی اساسی است. مبنای منشأ تعهدات دولت‌ها به‌ویژه تعهد آنها به پیشگیری از جرائم جهانی شده، التزام به

1. Accountability

اخلاق، حقوق بشر و عدالت است که اساس و بنیاد حکمرانی مطلوب شناخته می‌شوند. تضمین و رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان همچون حق تعیین سرنوشت و برگزاری انتخابات آزاد، آزادی عقیده و بیان، آزادی تجمع، تقویت جامعه مدنی و حمایت از فعالیت‌های آنها، آزادی مطبوعات و تضمین جریان آزاد اطلاعات، حاکمیت قانون، شفافیت و تضمین برابری شهروندان در مقابل قانون، از اصولی است که موجب می‌شود تا دولت‌ها قدرت و توان مقاومت در برابر خواست و طرح مطالبات عمومی و مشروع شهروندان را نداشته باشد و شهروندان امکان پایش و حتی پالایش نهادهای تصمیم‌گیرنده را داشته باشند. در چنین شرایطی مجالی برای سوءاستفاده‌کنندگان از بودجه‌ها و امکانات عمومی باز نخواهد شد و نهادهای نظارتی نیز با تمام توان، به وظیفه خود عمل خواهند کرد، زیرا همواره اعمال و اقوال خود را در معرض سنجش و نظارت مردم و رسانه‌ها می‌بینند. چنین دولتی نه تنها با بحران مشروعیت ناشی از تضعیف اعتماد عمومی مواجه نخواهد شد، بلکه شهروندان را حامی سیاست‌های خود در عرصه عمومی خواهد یافت و شهروندان نیز چنین دولتی را ضامن واقعی حقوق و آزادی‌های خود می‌شناسند. فساد مجالی را برای بروز در فضا و بافت سیاسی شفاف و شیشه‌ای نخواهد یافت؛ التزام دولت به حقوق و آزادی‌های شهروندان، اسباب نظارت و مسئولیت‌پذیری شهروندان در قبال جامعه خود را فراهم می‌سازد و این مسئولیت‌پذیری، موجبات دخالت و نظارت بر امور عمومی را بیش از پیش مهیا می‌سازد. در مقابل، حکومتی که قادر به تأمین، حفظ و حراست از حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان نیست، نه تنها خود را ملزم به پاسخگویی و پذیرش مسئولیت‌ها نمی‌داند، بلکه تصمیمات خود را بدون در نظر داشتن اولویت‌ها و منافع ملی اتخاذ می‌کند. در چنین فضایی، شاهد انحصارگرایی، تشدید فاصله طبقاتی، گسترش فقر، حیف و میل ثروت عمومی، فرار مالیاتی، فقدان شفافیت و نظارت مؤثر بر منابع مالی، نارضایتی عمومی، تعمیق و تشدید اعتراضات و البته سرکوب‌ها و برخوردهای قاهرانه از دولت و عوامل دولتی خواهیم بود و تداوم چنین شرایطی، بحران مشروعیت را فراهم می‌سازد که نمونه‌های آن را در لیبی، تونس، مصر، عراق و حتی سوریه شاهد بوده‌ایم. می‌توان نتیجه گرفت که مؤثرترین ابزار در راهبرد مبارزه با فساد، محور قرار دادن شهروندان و تلاش در راستای احترام، رعایت و تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین آنها توسط دولت‌هاست. با نگاهی گذرا به رتبه‌بندی کشورها در آزادی خبرنگاران و مطبوعات^۱، رتبه‌بندی کشورها براساس گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد ۲۰۱۸، کشورهایی همچون نروژ، فنلاند، سوئد، هلند، دانمارک و سوئیس حائز بهترین شرایط هستند و در فهرست منتشره در رتبه‌بندی فساد^۲ در سال ۲۰۱۹، جایگاهی مناسب در میان کشورهای جهان دارند.

1. <https://rsf.org/en/ranking>

2. <http://hdr.undp.org/en/2018-update>

3. <https://www.transparency.org/cpi2018>

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، ج ۱، تهران: میزان.
۲. اسلامی، رضا (۱۳۹۵)، *آیا حقوق بشر*، تهران: مجد.
۳. حبیبی، نادر (۱۳۷۵)، *فساد اداری (عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه)*، ج ۱، چ اول، تهران: واثقی.
۴. دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰)، *فساد مالی-اداری و سیاست جنایی مقابله با آن*، چ اول، تهران: میزان.
۵. ربیعی، علی (۱۳۸۳)، *زنده‌باد فساد*، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. سیف، احمد (۱۳۷۶)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی*، چ اول، تهران: نشر نی.
۷. فون هایک، فردریش (۱۳۹۵)، *راه بردگی*، ترجمه فریدون تفضلی و حمید پاداش، چ سوم، تهران: نگاه معاصر.
۸. فاضلی، محمد (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر سنجش فساد*، چ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۹. گرگیچ، سارا (۱۳۹۵)، *ارزیابی شیوه نظارت در کنوانسیون مبارزه با فساد*، چ اول، تهران: خرسندی.
۱۰. محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹)، *بازشناسی و تحلیل فساد اداری*، چ اول، گرگان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی گرگان.
۱۱. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)، *فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها و پیامدها، پیشگیری و مقابله*، ج ۲.
۱۲. نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹)، *حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر*، چ اول، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۱۳. انصاری، باقر (۱۳۸۷)، «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، *نامه مفید*، ج ۳، ش ۱، صص ۱۳۷-۱۵۸.
۱۴. اکبرنژاد، مهدی؛ یعقوبی، مینا (۱۳۹۳)، «بررسی فساد اداری از دیدگاه قران و احادیث»، *دوفصلنامه مدیریت اسلامی*، ش ۲۲، صص ۱۶۷-۱۹۵.
۱۵. سپه‌سرا، حسین (۱۳۹۷)، «تأثیر فساد بر تحقق حق‌های بشری»، *مجله پژوهش‌های*

- حقوقی، ش ۳۳، صص ۷۳-۱۰۱.
۱۶. حبیب‌زاده، توکل؛ فرج‌پور اصل مرندی، علی اصغر (۱۳۹۵)، «کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ش ۱، صص ۱۱۵-۱۳۷.
۱۷. حسنی، علی؛ شمس، عبدالحمید (۱۳۹۱)، «راهکارهای مبارزه با فساد اداری براساس ارزش‌های اسلامی»، *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ش ۵، صص ۸۱-۱۰۴.
۱۸. خداداد حسینی، سید محمد؛ فرهادی‌نژاد، محسن (۱۳۸۰)، «بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن»، *فصلنامه مدرس، دوره ۵*، صص ۳۷-۵۳.
۱۹. دادگر، حسن (۱۳۸۲)، «رویکردی اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور»، *نشریه اقتصاد اسلامی*، ش ۱۱، ۱۰، صص ۹۷-۱۱۶.
۲۰. رشیدی، احمدرضا؛ رئیسی، لیلا (۱۳۹۶)، «بررسی آثار و پیامدهای فساد مالی بر حقوق بشر»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۱، ش ۴، صص ۲۳۷-۲۵۴.
۲۱. رنجبریان، امیرحسین؛ فرخزاد، مهسا (۱۳۹۴)، «تحولات عناصر تشکیل دولت: از مؤثر بودن به مشروعیت؟»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ش ۲، صص ۲۵۵-۲۷۲.
۲۲. رییس دانا، فربرز (۱۳۸۱)، «برای مبارزه با پولشویی کدام گرمابه باید تعطیل شود»، *نشریه صنعت حمل‌ونقل*، ش ۲۱۷، ص ۱۲.
۲۳. سام دلیری، یونس (۱۳۸۲)، «ویژگی‌های فساد مالی در بخش دولتی»، *ماهنامه بانک و اقتصاد*، ش ۴۳، صص ۵۶-۵۹.
۲۴. شریف بجستانی، نیلوفر (۱۳۸۵)، «اجرای موازین حقوق بشر مناسب‌ترین راه در مبارزه با فساد اداری»، *دوماهنامه حقوق عمومی*، ش ۲، صص ۶۴-۷۰.
۲۵. شریفی طرازکوهی، حسین؛ مدرس سبزواری (۱۳۹۳)، «تقویت چارچوب‌های مبارزه با فساد از طریق توسعه معیارهای حکمرانی مطلوب»، *مجموعه مقالات همایش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد*، تهران: میزبان صص ۹۹-۱۱۵.
۲۶. کمالی، یحیی (۱۳۹۲)، «تأثیر شفافیت اقتصادی در پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی»، *گزارش پژوهشی*، ش ۴۹، صص ۱-۳۱.
۲۷. محنت‌فر، یوسف (۱۳۸۷)، «فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی»، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*، چ اول، تهران: تدبیر اقتصاد، صص ۱۰-۱۵.
۲۸. مهرآرا، محسن؛ اسدیان، زینب (۱۳۸۸)، «تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، *مطالعات اقتصاد بین‌الملل*، شماره پیاپی ۳۵، صص ۱-۲۰.

۲۹. نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۹۳)، «چالش‌های فراروی مبارزه با فساد در حقوق بین‌المللی»، مجموعه مقالات کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، تهران: میزان، صص ۸۰-۹۱.

۳۰. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، «پولشویی»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، با کوشش کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر سازمان ملل، تهران: وفاق، صص ۶۱-۷۰.

۲. انگلیسی

A) Books

1. International Council on Human Rights Policy (2009), *Corruption and Human Rights: Making the Connection*, Veroix, Switzerland
2. Vinod, Thomas (2000), *Quality of Growth*, World Bank, Oxford University Press.

B) Articles

3. Alldridge, Peter (2002), "The Moral Limits of the Crime-Laundering", *Buffali Criminal Law*, Vol.5, pp. 279-319.
4. Borensztein, Eduardo, De Gregorio, Jose., and Lee, J-W., (1998), "How does foreign direct investment affect economic growth", *Journal of International Economics*, Vol.45, No.1, pp. 115-135.
5. Gathii, James (2009), "Defining the relationship between human rights and corruption", *University of Pennsylvania Journal of International Law*, Vol. 31, No.1, pp. 125-202.
6. Gathii, James Thuo, (1999), "Good Governance as a Counter Insurgency Agenda to Oppositional and Transformative Social Projects in International Law", *Buffalo Human Rights Rev.*108, pp. 107-174.
7. Gold Joseph (1993), "Political Considerations Are Prohibited by Articles of Agreement When the Fund Considers Requests for Use of Resources", *12 IMF Survey*, pp. 146-148.
8. Husted, Bryan (2002), "Culture and International Anti-Corruption Agreement in Latin America", *Journal of Business Ethics*, Vol. 37, pp. 413-423.
9. Mauro, Paolo (1995), "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 109, pp. 681-712.
10. Raees Dana, Fariborz (2002), "Which bathhouse should be closed to fight money laundering", *Transportation Industry Journal*, No. 217, p. 12.
11. Rushton, Sophie, (2011), "Corruption and Development: The International Anti-Corruption Movement and Anti-Corruption in India", *University of Melbourne*, Vol. 73, pp. 69-85.
12. Sharifi Tarazkoochi, Hossein & Modarres Sabzevari, Sasan (2014), "Strengthening anti-corruption frameworks through the development of good governance standards", Proceedings of the United Nations Convention against

Corruption, *Mizan Publications*, Tehran, pp. 99-115.

13. Thomas, Melissa (2010), "What Do the Worldwide Governance Indicators Measures", *European Journal of Development Research*, Vol.22, No.1, pp. 31-54.
14. Weivi, Li (2004), "Equality and Non-Discrimination under International Human Rights Law" www.corteidh.or.cr/tablas/r08121.pdf, pp. 3-25.
15. World Bank (2006), "The International Bank for Reconstruction and Development, A Decade of Measuring the Quality of Governance", *Governance Matters: Worldwide Governance Indicators*, pp. 1-20.
16. Yousif Khalifa, Al- Yousef (2003), "Corruption and Development: An Islamic view", a Paper from the 5th International Conference on Islamic Economics and Finance, by the *International Association for Islamic Economic*, pp. 105-131.

C) Websites

17. <http://hdr.undp.org/en/2018-update> (6/10/2019)
18. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/134837> (05/04/2019)
19. <http://siteresources.worldbank.org/EXTABOUTUS/Resources/Corruption.pdf>
20. http://www.ichrp.org/files/reports/58/131b_report.pdf (05/04/2019)
21. http://www.ichrp.org/files/reports/58/131b_report.pdf (21/03/2018)
22. <http://www.imf.org/external/np/exr/dec.pdf>
23. <http://www.thesierraleonetelegraph.com> (07/03/2017)
24. <http://www.worldbank.org/wbi/governance>. (08/06/2009)
25. <https://digitallibrary.un.org/record/526111> (05/04/2019)
26. <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G05/145/75/PDF/G0514575.pdf?OpenElement>
27. <https://richardbistrong.com/corruptions-impact> (05/04/2019)
28. <https://rsf.org/en/ranking> (6/10/2019)
29. <https://undocs.org/A/HRC/RES/29/11> (05/04/2019)
30. <https://www.ohchr.org/EN/Issues/Development/GoodGovernance/Pages/FormerSRCorruption.aspx> (16/01/2019)
31. <https://www.state.gov/documents/organization/290502.pdf> (05/04/2019)
32. <https://www.transparency.org/cpi2018> (6/10/2019)
33. https://www.transparency.org/news/pressrelease/transparency_international_launches_campaign_to_repatriate_africas_stolen_w
34. https://www.unodc.org/documents/brussels/UN_Convention_Against_Corruption.pdf
35. https://www.unodc.org/documents/brussels/UN_Convention_Against_Corruption.pdf (16/01/2019)
36. https://www.unodc.org/documents/treaties/UNCAC/Status-Map/UNCAC_Status_Map_Current.pdf (31/5/2019)
37. https://www.unodc.org/islamicrepublicofiran/en/unodc_iran_country_partnership_programme.html?lf=35&lng=en (05/04/2019)
38. www.coe.int